

را به وجود می‌آورد؟ آیا فقط ساخت کالبدی یک پروژه، بلوک ساختمانی و یا مجتمع کفایت می‌کند؟ یعنی فقط باید به «دیزاین» یا همان طراحی صرف توجه کنیم؟ یا در هر ساختمان باید به طیف پرسش و پاسخ‌های متقابل با خیابان‌ها و ساختمان‌های مجاور هم توجه شود.

این تئوری در این جا چه نقشی را ایفا می‌کند؟

این تئوری که مجموعه‌ای از فرضیات دانشمندان آمریکایی، استرالیایی و انگلیسی است بر ۳ رکن اساسی تاکید دارد. اجرای قانون، شناسایی گروه‌های در معرض خطر و انجام اقدامات پیشگیری اجتماعی، برنامه ریزی و مدیریت فیزیکی، رابطه منطقی بین این ۳ رکن هم در این تئوری مطرح شده است.

آیا شاخصه‌های این ۳ رکن هم در نظریه بررسی می‌شود؟

در مورد با بخش اول یعنی «اجرای قانون»، بر هدفمند کردن گشت‌های پلیس قابل رویت، بهبود ارتباطات و دسترسی به اجرای قانون و تکمیل نظارت محله‌ای تاکید دارد. این بخش بر عهده ضابطان دادگستری است که در قانون آیین دادرسی کیفری در فصل جرایم مشهود به صراحت به آن اشاره شده است. این گروه شامل نیروهای بسیج، نیروهای پاسگاه‌های انتظامی و در موارد خاص مأموران قضایی دادگستری است.

در «شناسایی گروه‌های در معرض خطر و انجام اقدامات پیشگیری اجتماعی» که رکن دوم این نظریه است، بر اجرای برنامه‌های آموزشی، توسعه مراکز حمایت از قربانی جرم و برنامه‌ریزی‌هایی برای جوانان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر تاکید شده است.

در باره «برنامه ریزی و مدیریت فیزیکی» هم شاخص‌هایی بررسی شده است. بهبود روشنایی خیابان‌ها، احیای فضاهای عمومی مانند باغ‌ها و بوستان‌ها، طراحی خیابان‌ها و ساختمان‌ها برای کاهش فرصت‌های جرم و سازماندهی مجدد بازارها و پایانه‌ها و محیط‌های شلوغ از شاخص‌های این بخش است.

نوع و طیف جرایم شهری هم در تصمیم‌گیری شکل کالبدی فضای شهری موثر است؟

ما با طیف مشخصی از جرایم در محیط شهری مواجه هستیم. در این محیط ارتکاب جرایمی همچون حضور معتادان در سطح شهر، ایجاد مزاحمت برای نوامیس، تجاوز جنسی به زنان،

اخاذی، زورگیری و سرقت‌های حدی یا تعزیری به ترتیب اولویت دارند. بنابراین در نگاه کلان جرایم محیط شهری با سایر محیط‌ها متفاوت است. یعنی به عنوان مثال جرمی مانند «فروش مال غیر» بسیار کم در جرایم عمومی سطح شهر دیده می‌شود. بنابراین از این طیف مشخص جرایم، فرضیه‌هایی در این باره مطرح می‌شود.

به نظر می‌رسد فضای شهری می‌تواند از دو طریق یعنی ایجاد فرصت برای ارتکاب جرم و تقویت روانی مجرمان در جهت ارتکاب

وجود می‌آورد. یعنی سطح وقوع بزه و جرم در این محیط پایین تر است. در صورتی که فضاهای متروک، غیر محصور و بدون ناظر در حومه شهر به محل تجمع سارقان و بزه کاران تبدیل می‌شود. پس ما وجود چشمان ناظر بر خیابان و وجود دید کافی را یکی از شاخص‌های افزایش امنیت می‌دانیم. این افزایش شعاع دید در بوستان‌ها و فضاهای ناامن دیگر هم اثر دارد. وجود درخت‌های بلند و تودرتو در یک بوستان موجب افزایش وقوع جرم در این محیط می‌شود.

یکی از مباحثی که شاید در کشور ما اصلا مورد توجه قرار نگرفته، بحث

یعنی فقط باید به «دیزاین» یا همان طراحی صرف توجه کنیم؟ یا در هر ساختمان باید به طیف پرسش و پاسخ‌های متقابل با خیابان‌ها و ساختمان‌های مجاور هم توجه شود

بزه‌های اجتماعی، بر افزایش جرایم تاثیر بگذارد. در این نظریه کدام جنبه مورد توجه است؟

در این نظریه اعتقاد بر این است که جرایم، ارتباط زیادی با عوامل محیطی دارد. به طور مثال بیشترین میزان ارتکاب جرم در جرایم مختلف بعد از غروب آفتاب تا شب انجام می‌شود. دقیقا این زمان، زمانی است که فعالیت‌های صنعتی تعطیل و مغازه‌ها و فروشگاه‌ها بسته می‌شوند. بنابراین در این بازه، کمبود سیستم نظارت وجود دارد. این مثال نشان دهنده شاخص زمان در

باید شاخص‌های تئوری کنترل جرایم با استفاده از خواص فضایی در این محدوده مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اشکال ندارد که ساخت‌وساز و جمعیت زائر را بالا ببریم ولی باید ملاحظات را قدم به قدم کنترل کنیم

به آن‌ها «فضاهای قابل دفاع» گفته می‌شود، توجه شود.

اگر موافقید کمی هم درباره مشهد صحبت کنیم. آیا توجه جدی به این نظریه‌ها در زمینه کاهش جرایم صورت می‌گیرد؟

هیچ وقت یک نگاه اصولی به این مسئله انجام نشده است. البته شاید این مسئله به این دلیل باشد که حوزه مطالعاتی یک مهندس شهر ساز و یک حقوق‌دان از هم مجزا است و برای برقراری این ارتباط یک پیوند نیاز است که رابطه منطقی را در این میان برقرار کند. متأسفانه این نقطه پیوست در کشور ما ضعیف است.

با توجه به جرم خیز بودن فضاهای

بافت مرکزی مشهد و به ویژه اطراف حرم مطهر، ساخت و سازهای سال‌های اخیر و تراکم بیش از پیش زائران در این محدوده چه قدر در افزایش جرایم تاثیر دارد؟

اگر بدون توجه به نظارت پیشگیرانه ساخت و سازی صورت بگیرد، جرایم را تشدید می‌کند.

آیا با وجود ویژگی‌ها فضایی این منطقه مانند دسترسی‌های متنوع و فضاهای مخفی شدن بزه‌کاران این نظارت امکان پذیر است؟

شما در اطراف حرم مطهر امام رضا (ع) یک فضای فرهنگی مذهبی دارید. یعنی جرم به سختی خودش را بروز می‌دهد. ارتکاب جرم در این مناطق، با جرم‌های حاشیه خطوط راه آهن که یکی از مناطق جرم خیز هر شهر است قابل مقایسه نیست. ارتکاب جرم در اراضی کشف رود برای انداختن و سوزاندن جسد خیلی راحت تر از این بافت است. نظر من این است که باید شاخص‌های تئوری کنترل جرایم با استفاده از خواص فضایی در این محدوده مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اشکال ندارد که جمعیت را افزایش بدهیم. ساخت و ساز و جمعیت زائر را بالا ببریم. ولی باید ملاحظات را قدم به قدم کنترل کنیم.

آیا تاکنون طرح مطالعاتی مناسبی در زمینه شناسایی فضاهای جرم خیز در شهر مشهد انجام شده است؟

محله‌های مختلف یک شهر جرایم خاص خود را دارند. بافت نزدیک حرم مطهر عموماً محل سارقان و معتادان به مواد مخدر است. اما هر چه به سمت مناطق بالاتر شهر می‌روید، مزاحمان به نوامیس مردم افزایش پیدا می‌کنند و از تعداد سارقان و معتادان کم می‌شود. پس می‌توان گفت که این جرایم با ساختار محله منطبق است.

نقطه شروع برای پیاده سازی نظریه‌های جدید در زمینه کاهش جرایم کجاست؟

اول باید مخاطبان را شناسایی کنیم. مخاطبان طرح کاهش جرایم نیروی انتظامی، شهرداری، دادگستری، دانشکده‌های حقوق و مهندسی معماری و شهرسازی هستند. باید کار گروهی تشکیل شود که از هر کدام از این نهادها یک عضو در آن وجود داشته باشد. یک نهاد نظارتی مانند استانداری هم مدیریت را بر عهده بگیرد.

۸۰ درصد از هزینه‌های راهبری امنیتی دولت در سطح شهر را کاهش می‌دهد.